

عنوان مقاله:

مساله عدالت در آراء جان رالز و شهید بهشتی

محل انتشار:

فصلنامه سیاست پژوهی جهان اسلام، دوره 3، شماره 5 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

مرتضی علویان - استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران

جمال مختاری - کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه مازندران

خلاصه مقاله:

در اداره ی جوامع بشری آن چه که بیش از سایر امور، آموزه های اجتماعی و حکومتی را به خود معطوف نموده مقوله مهم و بنیادین «عدالت» است. از میان اندیشمندان لیبرال می توان به «جان رالز»، (۱۹۲۱-۲۰۰۲م) اشاره کرد که در تلاش بود تا به گونه ای اصول لیبرالیسم و آرمان عدالت خواهی را جمع نموده و راهی برای جلوگیری از نابرابری بیابد. در میان متفکران و اسلام شناسان بزرگ معاصر، شهید بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰ش) بدلیل آشنایی بیشتر با دنیای جدید و ارائه نظریه عدالت در نظام اسلامی قابل توجه است. این نوشتار در صدد پاسخ به این پرسش است که در آراء جان رالز و سیدمحمد حسینی بهشتی به مساله عدالت چگونه توجه می گردد؟ و بیان عدالت در اندیشه این دو اندیشمند چگونه است؟ مفروض بحث بر اساس نوع نگرش هر یک به هستی و جهان در چند قالب قابل طرح است: - شهید بهشتی در جامعه اسلامی، زیربنای همه عدل ها را اخلاق می داند، به طوری که «اگر در یک مقطعی از زمان دیدیم که عدل اخلاقی را باید قربانی کنیم تا به عدل اجتماعی یا عدل اقتصادی برسیم، حق نداریم اولویت را به عدل اقتصادی و اجتماعی بدهیم و عدل اخلاقی را قربانی کنیم». - رالز از بین پارادایم های مختلف فکری، فلسفه اخلاق کانت را به عنوان مبحثی قابل توجه برای احیای اصولی لیبرالیسم انتخاب کرده و از عناصرکانتی مانند آزادی انسان و عامل اخلاقی، استفاده نموده و نقطه عزیمت خود را نقد مکتب فایده گرایی قرار داده است.

کلمات کلیدی:

عدالت، جان رالز، شهید بهشتی، لیبرالیسم، جامعه اسلامی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1679825>

